

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/11/05

موضوع: راز جمله معروف: «وَأَنَا لَكُمْ وَزِيْرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيْرًا»!

برنامه حبل المتين

فهرست مطالب اين برنامه:

ذره ای غیرت کافيست، با دیدن این صحنه ها، قدردان ولایت فقیه باشیم!

بنده از قوه قضائیه عاجزانه تقاضا دارم با این افراد برخورد قضایی نکنند!!

هفت نکته اساسی در خطبه 92 «نهج البلاغه»

راز جمله معروف: «وَأَنَا لَكُمْ وَزِيْرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيْرًا»

عدم پیروی مردم، دلیل مهم امیرالمؤمنین بر استنکاف از قبول خلافت!

آیا رابطه صحابه با اهل بیت پیامبر، واقعاً دوستانه بود؟!

اتهام شرک به شیعیان، در جلسات درسی حوزه های علمیه اهل سنت ایران!!!

تحقق دلیل استنکاف امیرالمؤمنین از خلافت، از زبان ابو ایوب انصاری!

آیا جنگ جمل نشانه رابطه دوستانه صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود؟!

تماس بینندگان برنامه

آیا فرق مختلف شیعه، مذهب دیگری را تکفیر کرده اند؟!

آیا بازخوانی تاریخ صدر اسلام، مخالف دستور قرآن است!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

امشب هم به رسم یکشنبه شبها با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان پرفروغ شما هستیم، برنامه‌ای که این افتخار را داریم تا در محضر حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم و ان شاءالله امشب هم بتوانیم از مطالب گهربارشان استفاده کنیم.

ما سؤالات را مطرح خواهیم کرد و ان شاءالله پاسخشان را از حضرت استاد طلب خواهیم کرد و کما فی السابق مطالب را مستدل از ایشان می‌خواهیم.

به دلیل اینکه استاد خودشان به ما یاد دادند که اینگونه باشیم، ان شاءالله مستدل و مستند پاسخها را خواهیم دید و خواهیم شنید.

ابتدا خدمت استاد سلام عرض می‌کنیم و سپس مطالب را ادامه می‌دهیم. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می‌بینند و کلیپ‌های برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

ایام شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) را هم به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم فرج مولایمان را نزدیک کند و همه گرفتاری‌های ما را برطرف سازد و دعا‌های ما را به اجاب برساند و حوائج همه ما و شما گرامیان را برآورده سازد، ان شاء الله.

قبل از شروع بحث به رسم تعهدی که داریم، نامی از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ببریم و بدین وسیله خودمان و شبکه و دین و دنیا و آخرت را بیمه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کنیم.

یکی از شعرا به نام آقای «آقای» شعر زیبایی دارند که بنده خیلی از این شعر خوشم می‌آید، زیرا شعری پرمغز است. ایشان می‌نویسد:

فاطمه اصل کلام عشق بازی با خداست

فاطمه بخش نخستین جمله سازی با خداست

فاطمه یعنی خط راز و نیاز با جلی

فاطمه یعنی شط خون حسین بن علی

فاطمه یعنی کتاب عشق بی نام و نشان

فاطمه یعنی گل باغ بقیع عاشقان

فاطمه نام و نشان از بی نشانی داشته

فاطمه مهر علی را در دل خود کاشته

فاطمه محصولی از بود و نبود حیدر است

فاطمه نیلوفر سرخ کبود حیدر است

فاطمه نیلی ز سیلی گشته رخ در کوچه‌ها

فاطمه گوشی که خونین گشته در پس کوچه‌ها

فاطمه یعنی گناه گفتن نام علی

فاطمه یعنی سزای بردن نام علی

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء أغیثینی!

مجری:

صلی الله علیک یا مولاتنا یا فاطمة الزهراء!

حاج آقا خیلی ممنونم. به واسطه این رسم و سنت حسنه‌ای را که حضرتعالی گذاشتید، الحمدلله این افتخار را داریم که حداقل شنونده این کلام‌ها و این بیانات باشیم.

ان شاءالله این توفیق نصیب ما شود تا همگی مشمول شفاعت حضرت شفیعه کبری حضرت صدیقه شهیده (سلام الله علیها) قرار بگیریم.

عزیزان بیننده مطلع هستید که ما قبل از ایام فاطمیه مبحثی را شروع کرده بودیم. یکی از شبهاتی که بسیار در زبان و افرادی که شبکه‌های وهابی را می‌دیدند و از وهابیت می‌شنیدند و نقل می‌کردند، این بود که حضرت فرمودند: من نمی‌خواهم خلیفه شوم!

همچنین صد متأسفانه شیعه نماهایی که صرفاً شیعه گری لق لقه زبانشان بود، این شبهه را زیاد مطرح می‌کردند.

یکی از خطبه‌های مورد نظر، خطبه 92 هست که بیشتر به آن اشاره خواهیم کرد. وهابیت ادعا می‌کنند امیرالمؤمنین، حق خلافت را از خودشان دور کردند.

وهابیت می‌خواهند به این مسئله استناد کنند که امیرالمؤمنین این حق را نپذیرفته است و ادعا کنند که بدین وسیله خلافت انتخابی بوده و انتصابی نبوده است، برخلاف آن چیزی که شیعیان به طور مرسوم قائل به آن هستند.

ما الحمدلله در جلسات قبل این توفیق را داشتیم که به طور مفصل راجع به خطبه 92 صحبت کردیم.

ان شاءالله در این جلسه هم یک جمع بندی انجام شود و هم به ریزه کاری‌هایی که توقع ما هست و حضرت استاد ما را اینطور بار آوردند که از ایشان مطالبه کنیم، ان شاءالله راجع به خطبه 92 «نهج البلاغه» بشنویم و از محضرشان استفاده کنیم. در خدمتتان هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمدلله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمدلله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سپاس می‌گوییم و از خداوند می‌خواهیم که دست ما را در دنیا و آخرت از دامان این بزرگواران کوتاه نگرداند.

همانطور که حضرتعالی اشاره فرمودید، در شبکه‌های وهابی و فضای مجازی و بعضی از جلسات شیعه نماهای وهابی صفت، روی بعضی از اغراض جهلاً و عمداً و حماقتاً، ادعاهایی مطرح می‌شود.

این افراد ادعا می‌کنند که خلافت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) انتخابی بوده و انتصابی نبوده است!!

ذره ای غیرت کافیت، با دیدن این صحنه ها، قردان ولایت فقیه باشیم!

بعضی از سیاسیونی که تاب و تحمل ولایت فقیه را که برگرفته از ولایت اهل بیت است ندارند و می‌خواهند ولایت فقیه را زیر سؤال ببرند، ابتدا ولایت امیرالمؤمنین و ولایت ائمه اطهار را زیر سؤال می‌برند و آنها را مقدمه زیر سؤال بردن ولایت فقیه قرار می‌دهند.

ان شاءالله ما به حول و قوه الهی با این افراد کار داریم. ما در درس خارج فقه مقارن بحثی در رابطه با ولایت رسول اکرم و ولایت ائمه اطهار داریم. ما بعد از آن به این مبحث می‌رسیم که اگر معتقد به ولایت فقیه هستیم، آیا دلیلی از کتاب و سنت داریم یا خیر!؟

گرچه عزیزمان جناب آقای «عباسی» مطالب بسیار خوبی را در برنامه‌هایشان داشتند، اما ما از زوایای مختلف با توجه به شبهاتی که امروزه مطرح می‌شود و ولایت ائمه اطهار را زیر سؤال می‌برند تا ولایت فقیه را زیر سؤال ببرند مطالبی بیان خواهیم کرد.

بعضی افراد مرد هستند و شجاعت دارند و به طور مستقیم ولایت فقیه را زیر سؤال می‌برند. گاهی اوقات انسان باید دشمن شجاع را تحسین کند. گاهی اوقات بعضی افراد ادعا می‌کنند که باید قانون اساسی تغییر پیدا کند و ولایت فقیه حذف شود!!

من واقعاً شجاعت این افراد را تحسین می‌کنم، زیرا حرفشان مشخص است و جوابشان راحت است.

بعضی کلیپ‌هایی به دست ما می‌رسد که نمی‌توانم آن را پخش کنم. همین چند روز قبل یکی از دوستان کلیپی برایم فرستاده بود. در عراق داعشی‌ها زنان مسلمان و زنان زیدی‌ها را برای فروش به بازار آورده بودند و روی هرکدام قیمت گذاشته بودند.

مناظره خیلی دلخراشی بود. وقتی یکی از خانم‌ها که دو فرزند داشت را فروختند. این فرزندان داشتند خودشان را می‌کشتند. فرزندان این خانم ضجه می‌زدند، اما داعشی‌ها با سیلی و کتک و مشت، بچه‌ها را پشت یک وانت گذاشتند و مادرشان را فروختند.

همچنین کلیپ‌هایی منتشر شده است که داعشی‌ها هر روز در اتاقشان می‌نویسند که فلان خانم امروز برای جهاد نکاح پنج نفر است. زمانی که آنها «لا إله إلا الله» می‌گویند، به این معناست که ما این زن را طلاق دادیم و تمام شد و رفت!

در جواب آقایانی که امروز با ولی فقیه در افتاده‌اند باید بگوییم که اگر یک ذره غیرت مردانگی داشته باشید، باید ممنون ولی فقیه و مدافعین حرم باشید که اجازه ندادند داعش در داخل کشور بیاید و سرنوشت زنان شما همانند زنان عراقی و سوری شود.

شما به واسطه این نعمت باید شبانه روز آستان و اطراف بیت مقام معظم رهبری را بوسه بزنید و برگردید. بنده نه نمی‌خواهم روی بحث انقلاب صحبت کنم، نه روی بحث اسلام صحبت کنم، نه روی بحث دین صحبت کنم و نه روی بحث مذهب صحبت کنم. بنده تنها می‌گویم اگر کسی ذره‌ای غیرت مردانگی و علاقه به زن و بچه‌اش داشته باشد، باید از ولایت فقیه ممنون باشد.

بنده از قوه قضائیه عاجزانه تقاضا دارم با این افراد برخورد قضایی نکنند!!

افرادی که می‌خواهند ولایت فقیه را زیر سؤال ببرند، ولایت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) را زیر سؤال می‌برند و نتیجه می‌گیرند که ولی فقیه هم هیچ دلیلی ندارد. حرف زدن با این افراد سخت است! زیرا این افراد در لباس مذهب علیه مذهب آمده‌اند.

تاریخ هم نشان داده است که کفار قریش بیست و یک سال با لباس کفر با اسلام جنگیدند و در سال هشتم هجرت در فتح مکه شکست خوردند. همان کفر در جنگ صفین با لباس اسلام به جنگ اسلام آمدند و اسلام را شکست دادند.

همانطور که یکی از اعظم می‌فرمودند از این خواص که سابقه درخشانی در انقلاب و حوزه‌ها دارند و فعالیت‌هایی نظیر تدریس و درس و تألیف دارند، باید ترسید!!

بنده با نظر مقام معظم رهبری موافقم که بارها تأکید فرمودند در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها باید کرسی آزاد اندیشی و مناظره گذاشت و این افراد را خلع سلاح علمی کرد.

بنده همین جا از عزیزان قوه قضائیه عاجزانه تقاضا دارم و دستشان را هم می‌بوسم که با این افراد برخورد قضایی نکنند. این افراد از خدا می‌خواهند که کسی با آنها برخورد قضایی کند، آن‌ها هم مظلوم نمایی کنند و با این وضع خودشان را مشهور کنند.

اجازه بدهید مراکز فرهنگی با این افراد بحث‌های علمی کنند و آنها را رسوا کنند. مراکز فرهنگی باید به مردم بفهمانند که این افراد نه تنها سرمایه علمی ندارند، بلکه از علم اندکشان با لباس مذهب، علیه مذهب تلاش می‌کنند.

این افراد باید رسوای علمی شوند، اطرافشان خالی شود و مریدانشان بفهمند که این افراد اگر مدعی دفاع از مذهب هستند، دروغ می‌گویند. این افراد اگر استناد به آیات قرآن کریم می‌کنند،

(لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ)

به نماز نزدیک نشوید.

را می گویند، اما:

(وَ أَنتُمْ سُكَارَى)

در حالی که مست هستید.

سوره نساء (4): آیه 43

را برای مردم نمی گویند.

مجری:

همان رفتاری که در ابتدای انقلاب امثال «شهید مطهری» و «شهید بهشتی» در مقابل حزب توده و جماعت جبهه ملی انجام می دادند، الآن هم شدیدتر و بیشتر جای چنین کرسی هایی هست.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. بنابراین بنده معتقدم باید با این افراد بحث های علمی شود تا آنها خلع سلاح علمی و رسوای علمی شوند. زمانی که این افراد رسوای علمی شدند، اطرافشان خالی می شود و تمام مریدانشان از آنها دست برمی دارند و اطرافشان خلوت می شود.

حال اگر یک برخورد قضایی با این افراد شود، آن ها مظلوم نمایی می کنند و داد و بیداد به راه می اندازند و شروع به تماس گرفتن با شبکه های خبرگزاری خارجی و مظلوم نمایی می کنند.

بعضی از این افراد بسیار دوست دارند که قوه قضائیه با آنها برخورد کند تا آنها از این کانال در جامعه مطرح شوند.

بنابراین ما از عزیزان و مسئولین قوه قضائیه تقاضا داریم که ابتدا اجازه بدهند مراکز فرهنگی با این تفکرات باطل مبارزه کنند. اگر واقعاً ثابت شد که آنها معاند هستند و عناد دارند و هرگز حاضر نیستند دست از عنادشان بردارند، در آخرین مرحله برخورد قضایی کنند.

وقتی مردم روشن شدند و این افراد را شناختند که چکاره هستند. وقتی مردم آنها را شناختند، دیگر آنها نمی‌توانند مظلوم نمایی کنند.

مردم از این افراد متنفر شدند و حتی برخورد قضایی برای مردم خوشحال کننده است و می‌گویند الحمدلله آقایی که سرمایه علمی نداشت و جوانان ما را منحرف می‌کرد، گرفتار قوه قضائیه شد.

بنابراین ما به مسئولین محترم قضایی پیام دادیم و قرار شد جلساتی هم بگذارند. غرض اینکه اگر با اینطور افراد برخورد علمی شود، قطعاً یک عده برمی‌گردند.

افرادی که واقعاً منصف هستند حتی به جهت اینکه مریدان خود را از دست ندهند شاید برگردند. اگر این افراد برنگشتند هم، قضیه برای مردم روشن می‌شود و این خیلی واضح است.

هفت نکته اساسی در خطبه 92 «نهج البلاغه»

یکی از این خطبه‌ها، خطبه 92 «نهج البلاغه» است که وقتی بعد از قتل عثمان می‌خواهند با حضرت بیعت کنند، امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي»

مرا رها کنید و به سراغ دیگری بروید.

ما عرض کردیم که امیرالمؤمنین در اینجا هفت نکته را مطرح کرده است و ما باید نسبت به این هفت موضوع مفصل صحبت کنیم. باید در این خصوص مفصل صحبت و اطلاع رسانی شود تا جوانان ما اعم از جوانان شیعه و اهل سنت از قضایا آگاهی پیدا کنند.

جوانان اهل سنت هم عزیزان ما هستند. بنده هرشب که جوانان شیعه را دعا می‌کنم، خدا را شاهد می‌گیرم که جوانان اهل سنت را هم دعا می‌کنم.

جوانان اهل سنت هم پاره تن این مملکت و برادران دینی ما هستند. ما خدای ناکرده به هیچ وجه راضی نیستیم آنها فردا گرفتار غضب و عذاب الهی باشند، همانطور که دوست نداریم جوانان شیعه ما هم گرفتار غضب خداوند شوند.

نکته اول در اینجا این است که حضرت شورش سیاست بازان و ریاست طلبان را مطرح می‌کند و می‌فرماید:

«فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَأَلْوَانٌ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ وَلَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ»

ما به استقبال چیزی می‌رویم که چهره‌ها و رنگ‌های گوناگون دارد و دل‌ها نسبت به آن استوار و عقل‌ها بر آن ثابت نمی‌ماند.

نکته دوم این است که حضرت تأثیرگذاری بدعت‌های گذشتگان را مطرح می‌کند که قبلاً در خصوص آن توضیح دادیم.

«وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَرَتْ»

ابره‌ای تیره و تار افق‌ها را پوشانیده و راه مستقیم حق در این فضای ظلمانی ناشناخته است.

نکته سوم قاطعیت امیرالمؤمنین در عمل به اسلام راستین محمدی و احیای ارزش‌های اسلامی است.

«وَاعْلَمُوا أَنِّي إِذْ أَحْبَبْتُكُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ»

اگر من دعوت شما را بپذیرم مطابق آنچه خود می دانم با شما رفتار خواهم کرد.

نکته چهارم دست رد زدن امیرالمؤمنین به سینه شکارچیان اموال و مناصب است، همچنانکه می فرماید:

«وَلَمْ أُضْغِ إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ»

و هرگز به سخن این و آن توجه نخواهم کرد.

نکته پنجم بی توجهی حضرت به سرزنش گران بی تقوا و دنیا پرست است. حضرت در این خصوص می فرماید:

«وَعَثِبَ الْعَاتِبِ»

و به هیچ وجه به سرزنش سرزنش کنندگان گوش نخواهم داد.

نکته ششم همکاری با خلیفه منتخب در راستای احیاء اسلام و سنت رسول اکرم است. حضرت نسبت به این

مورد می فرماید:

«وَإِنْ تَرَكْتُمُونِي فَأَنَا كَأَحَدِكُمْ وَ لَعَلِّي أَسْمَعُكُمْ وَ أَطُوعُكُمْ لِمَنْ وَ لِيَتْمُوهُ أَمْرُكُمْ»

و اگر مرا رها کنید همچون یکی از شما خواهم بود بلکه شاید از شما شنواتر و مطیع تر نسبت به رئیس

حکومت و والیان امر در حفظ کیان اسلام و منافع مردم بوده باشم.

حضرت به صراحت می فرماید: اگر مرا رها کنید، هرکسی را می خواهید مسئولیت بدهید من حرفی ندارم. اگر

من مسئول باشم، باید پاسخگو هم باشم. هرکسی را انتخاب کردید من شنوایی و اطاعت از او از شما بیشتر

خواهد بود، زیرا مسئولیتی ندارم.

راز جمله معروف: «وَأَنَا لَكُمْ وَزِيْرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرًا»

نکته هفتم در حاشیه بودن و همکاری ضروری در عین حال که نه مسئولیت دارند و نه پاسخگو هستند.
امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«وَأَنَا لَكُمْ وَزِيرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرًا»

اگر من برای شما وزیر و مشاور باشم، بهتر از آن است که امیر و رهبر باشم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 136، خ

92

این عبارت، جمله بسیار ظریفی است. ان شاءالله ما درباره این جمله حضرت مفصل توضیح خواهیم داد تا قضیه برای بعضی از شیعه نماهای وهابی صفت که به این جمله امیرالمؤمنین استناد می‌کنند روشن شود.
توضیحات آیت الله مکارم شیرازی در این خصوص این است که منظور حضرت این است اگر امیر باشم و با من مخالفت کنید کافر می‌شوید، اما اگر دیگری به جای من باشد این چنین نیست. امیرالمؤمنین می‌داند همه مردم شنیدند که رسول گرامی اسلام فرمود:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَى أَنْ لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْغَضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 86، ح 78

طبق این روایت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: جز منافق کسی تو را دشمن نمی‌دارد.
وقتی با امیرالمؤمنین مخالفت و دشمنی کردند، در صف منافقین در می‌آیند. و قرآن کریم هم می‌فرماید:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)

(زیرا) منافقان در پائین‌ترین مرحله دوزخ قرار دارند.

سوره نساء (4): آیه 145

بنابراین امیرالمؤمنین می‌فرماید: «وَأَنَا لَكُمْ وَزِيْرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّْي أَمِيرًا»؛ اگر من وزیر و مشاور باشم، بیشتر به نفع شماست تا اینکه امیر و حاکم باشم.

این فرمایش حضرت بدان معناست که اگر من در سر کار باشم و مخالفت کردید و به صف منافقین پیوستید، به هیچ وجه راه نجاتی ندارید.

جالب اینجاست که در کتاب «عتب الجمیل» اثر «محمد بن عقیل» تعبیر زیبایی نقل شده است. این کتاب، کتاب بسیار خوبی است. بنده مطالعه این کتاب را به دوستان مخصوصاً طلاب توصیه می‌کنم، زیرا نکات بسیار ظریفی دارد که دیگر کتب این نکات را ندارد.

در این کتاب از قول «عامر شعبی» که یکی از فقهای به نام اهل سنت است، روایتی نقل شده است که می‌نویسد:

«ماذا لقينا من علي»

از دست علی چه ها بر سر ما نیامده است.

«ان أحببناه ذهب الدنيا»

اگر علی را دوست داشته باشیم دنیای خود را از دست می‌دهیم. در این صورت حکومت تمام زندگی ما را زیر و رو می‌کند.

«وإن أبغضناه ذهب ديننا»

اگر علی را دشمن بداریم، دین خود را از دست دادیم.

العتب الجمیل علی أهل الجرح والتعدیل؛ نویسنده: السید محمد بن عقیل، وفات: 1350، تحقیق: إعداد وتعلیق: صالح الوردانی، ناشر: الهدف للإعلام والنشر، ص 48، الباب الثانی فیمن جرحوهم من أهل البیت

این نکته بسیار ظریفی است. البته این نکته را آقای «ابن قتیبه دینوری» در کتاب «عیون الأخبار» جلد اول صفحه 311 می‌آورد و چنین تعبیر می‌کند:

«ما لقینا من آل أبی طالب؟»

ما چه مصائبی از آل ابی طالب پیش رو داریم!

«إن أحببناهم قتلونا، وإن أبغضناهم أدخلونا النار»

اگر آنها را دوست داشته باشیم شمشیر حکومت ما را ذبح خواهد کرد و اگر آنها را دشمن بداریم خداوند ما را وارد آتش جهنم خواهد کرد.

عیون الأخبار؛ المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبة الدینوری (المتوفی: 276هـ)، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، تاریخ النشر: 1418 هـ ج 1، ص 311، باب من أخبار الدولة والمنصور والطالبین

این جمله بسیار ظریفی است. بنابراین امیرالمؤمنین در پایان این خطبه می‌فرماید: اگر من مشاور باشم به نفع شماست. اگر امیر باشم، شما با من مخالفت می‌کنید و طاقت عدالت مرا ندارید.

«جرجی زیدان» می‌گوید: علی بن ابی طالب در محراب عبادت به خاطر شدت عدالتش به شهادت رسید!!

این بدان معناست که جز عدالت علی چیزی باعث شهادت آن بزرگوار نشد. علی بن ابی طالب با خوارج پدر کشتگی نداشت و ارث و میراث تقسیم نشده بین خود نداشتند. این افراد که خواص هم بودند.

همانطور که ما می‌گوییم امروزه مخالفت خواص سخت‌تر هست، این چنین است. افرادی که در رکاب امیرالمؤمنین بودند، وقتی قرآن را بالای نیزه دیدند فریب خوردند.

آن‌ها درک نکرده بودند که قرآن ناطق علی است، مفسر قرآن علی است، مبین قرآن علی است. آن‌ها با آوردن نام قرآن فریب خوردند و خیال کردند که باید طبق قرآن کریم عمل کنند. هرچه امیرالمؤمنین فرمود، آن‌ها گوش ندادند.

برخلاف میل امیرالمؤمنین آنها ادعا کردند که باید حکمیت برگزار کنیم. همچنین ادعا کردند کسی که ما می‌خواهیم برای حکمیت برود نه کسی که علی بن ابی طالب می‌خواهد!!

بعد از حکمیت وقتی دیدند سرشان کلاه رفت و طرفین حکمیت به اسلام خیانت کردند، به حضرت عرضه داشتند: حال ما گفتیم که برای حکمیت برویم. شما چرا قبول کردید؟! شما که می‌دانستید حکمیت به ضرر ماست.

حضرت فرمودند: من هرچه گفتم، شما قبول نکردید و در نهایت روی من شمشیر کشیدید و گفتید که اگر دست نکشید، تو را می‌کشیم!! فردا تاریخ می‌نوشت که علی بن ابی طالب با سپاه خودش درافتاد و کشت و کشتار به راه افتاد.

در مقابل وقتی این افراد جدا شدند و رفتند، دوازده هزار نفر جبهه خوارج را تشکیل دادند. آن‌ها یک نفر و دو نفر نبودند، بلکه دوازده هزار نفر بودند که قائل به کفر امیرالمؤمنین بودند!!

امیرالمؤمنین با آنها صحبت کرد سپس «ابن عباس» با آنها مناظره کرد. از میان این دوازده هزار نفر حدود هشت هزار نفر برگشتند و چهار هزار نفر باقی ماندند.

وقتی امیرالمؤمنین مشاهده کردند که این چهار هزار نفر عناد دارند، به صغیر و کبیر رحم نکردند و همگی را از دم شمشیر گذراندند. راهی غیر از این نیست!

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ)

ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم.

وقتی (بِالْبَيِّنَاتِ) نتیجه نداد؛

(وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ)

و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است.

سوره حدید (57): آیه 25

در این صورت شمشیر است که باید جواب این افراد را بدهد. این در حقیقت خلاصه‌ای از مباحثی بود که با توضیحاتی نسبت به خطبه 92 «نهج البلاغه» برای عزیزانمان داشتیم.

مجری:

بسیار خوب، خیلی زیبا فرمودید. الحمدلله هم جامع و کامل فرمودید و این اختصار تقدیم به همه عزیزانی که سابقاً برنامه را می‌دیدند و عزیزانی که توفیق نداشتند و برنامه‌های سابق ما را ندیدند.

الحمدلله الآن فهرستی از مباحث گذشته را دریافت کردند. البته این مطالب خیلی بالاتر از فهرست بود و به قول حضرت استاد مطالب کپسولی بود. این مطالب بسیار وزین و قابل استفاده بود.

حضرت استاد شروع به بررسی تک تک این نکات کردند، اما کامل نشد. ان شاءالله یک میان برنامه می‌بینیم و بعد از آن از نکته اول شروع می‌کنیم و از حضرت استاد می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنند. میان برنامه‌ای می‌بینیم و برمی‌گردیم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». خیلی ممنون و متشکریم که تا این لحظه برنامه خودتان برنامه «حبل المتین» را پیگیری کردید.

الحمدلله این جلسه هم یک مقدمه و فهرستی از تمامی مطالب گذشته‌ای که مرتبط با بحث امشب ما هست، حضرت استاد ارائه فرمودند.

عدم پیروی مردم، دلیل مهم امیرالمؤمنین بر استنکاف از قبول خلافت!

حال به سراغ آن نگاه دقیقی برویم که قرار شد بر سر تک تک این هفت نکته‌ای که از خطبه نود و دوم «نهج البلاغه» جدا شد برویم و ان شاءالله راجع به آنها از حضرت استاد بپرسیم.

استاد اینطور شروع می‌شود و حضرتعالی هم فرمودید، اما این مطلب کامل نشد. اولین فراز این خطبه این است:

«فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَ أَلْوَانٌ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ وَ لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ»

الحمدلله حضرتعالی کاملاً بیان فرمودید که چه جوی در آن زمان بود و حضرت با چه افرادی سروکار داشتند. افرادی که به ظاهر در ابتدا قرار بود همراه و همیار حضرت باشند، بعداً به چه نتیجه‌ای رسیدند.

مطالب در جلسه گذشته ناتمام ماند. ان شاءالله در این جلسه بتوانیم این یک فراز را تکمیل کنیم. در خدمت شما هستیم:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یکی از ادله ای که امیرالمؤمنین بر استنکاف از قبول خلافت می‌آورد، عدم پیروی مردم از آن بزرگوار است.

قبول خلافت در صورتی فایده دارد که مردم تابع خلیفه باشند. وقتی خلیفه می‌بیند که مردم فردا از او سربیزی می‌کنند و در اطاعت او نیستند و به دستورات او عمل نمی‌کنند، اگر حکومت را بپذیرد عقل، آن را محکوم می‌کند. ما کاری با مسئله شرع نداریم.

«لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يَطَاعَ»

کسی که مردم از او پیروی نمی‌کنند، نظرش هیچ ارزشی ندارد.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 5،

ص 6، ح 6

بنابراین امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: من آینده خلافت را تاریک می‌بینم.

حضرت به صراحت می‌فرماید: می‌بینم افرادی را که از الآن به فکر شورش هستند و سیاست بازان و ریاست طلبان و کسانی که فردا به بهانه‌های مختلف میان امت اسلامی اختلاف ایجاد می‌کنند و جنگ و قتال به راه می‌اندازند.

امیرالمؤمنین تمام این مسائل را می‌داند و اصلاً هم لازم نیست با علم غیب بداند. یک انسان عادی هم که کوچکترین دقتی روی مسائل سیاسی داشته باشد، این قضایا را می‌فهمد.

زمانی که مقام معظم رهبری فرمود: جنگ با آمریکا نخواهد شد و مذاکره هم نخواهد شد. در مقابل یک سری افراد شروع به درست کردن یک سری فضائل بازی کردند.

کسی که یک جو فکر سیاسی دقیق داشته باشد و جو داخل آمریکا و ترس و وحشت آنها در منطقه را ببیند، این مسائل را متوجه می‌شود. بعضی افراد از سیاست سر در نمی‌آورند و تصور می‌کنند که این علم غیب است.

اگر امیرالمؤمنین هم می‌فرماید که من آینده را تاریک می‌بینم و افق‌ها تیره شده و قلب‌ها تابع من نیست و عقل‌ها تسلیم من نیست، به جهت این است که جامعه را در طول این بیست و پنج سال مشاهده کردند.

امیرالمؤمنین سابقه این چهره‌هایی که الآن اطراف حضرت آمدند و می‌خواهند با آن بزرگوار بیعت کنند را شناسایی کرده و می‌دانند این افراد چه نیت‌هایی دارند.

بنابراین این مسائل اختلافی که در صدر خلافت امیرالمؤمنین افتاد و جنگی که میان حضرت و «طلحه» و «زبیر» صورت گرفت، یکی از دردناک‌ترین وقایع تاریخ بود و تلخ‌ترین حادثه تاریخ اسلام و بنیانگذار تمام جنگ‌های بعد از آن است.

ما در ایام فاطمیه امسال، فاطمیه بسیار پر سروصدایی داشتیم. بعضی از بزرگان در داخل کشور مطالبی بیان کردند. من نمی‌دانم در شهرهای تایباد و خواف چه اتفاقاتی افتاد که به مقدسات اهل سنت جسارت کردند.

بنده به عنوان یک طلبه حوزه علمیه که حداقل پنجاه سال در حوزه علمیه بودم، عرض می‌کنم: فتوای مقام معظم رهبری و فتوای مراجع عظام تقلید اعم از آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم و آیت الله شبیری زنجانی و دیگران این است که اهانت به مقدسات اهل سنت خلاف شرع و حرام است.

حال اگر چند نفر در ایام فاطمیه چنین کاری کردند، کاملاً محکوم هستند. ما در صحبت‌های بعضی از علمای اهل سنت دیدیم که گلایه می‌کنند.

آیا رابطه صحابه با اهل بیت پیامبر، واقعاً دوستانه بود؟

بعضی از بزرگان در نماز جمعه هفته گذشته بیان کردند که صحابه اهل بیت را دوست داشتند و میان آنها رابطه‌ای دوستانه برقرار بوده است.

ما هم از خدا می‌خواهیم که میان اهل بیت و صحابه رابطه‌ای دوستانه و صمیمی برقرار باشد. اصلاً اگر کسی چنین آرزویی در دل نداشته باشد، باید او را از دایره اسلام بیرون ببریم.

با وجود حوادثی که اتفاق افتاده بود، آیا امیرالمؤمنین جزو اهل بیت بودند یا نبودند؟! اصلاً ما قضیه حضرت فاطمه زهرا را کنار می‌گذاریم، همچنانکه ادعا می‌کنند این قضایا ساخته شیعیان است!!

ما هم همان فرض شما را در نظر می‌گیریم که می‌گویید. فرض محال که محال نیست، اما شما برای ماجرای هجوم توجیهی ندارید. این‌ها همگی خلاف قرآن و سنت است که بزرگان شما با سندهای صحیح آنها را آورده‌اند. یک مورد دو مورد نیست.

کتاب «تاریخ طبری» جلد 2 صفحه 443 این قضایا را با سند صحیح آورده است. کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» جلد اول صفحه 568 این روایت را با سند صحیح آورده است. کتاب «مصنف ابن اُبی شیبّه» جلد هشتم صفحه 572 با سند صحیح آورده است.

شما ماجرای هجوم را می‌خواهید چکار کنید؟! ابتدا جواب هجوم‌ها را بدهید، شهادت و دیگر موارد طلبتان، ما با هم صحبت می‌کنیم! آیا امیرالمؤمنین جزو اهل بیت بود یا خیر؟! فرض می‌گیریم زنان هم جزو اهل بیت بودند. در کتاب «صحیح مسلم» روایتی از قول عایشه همسر پیغمبر اکرم نقل می‌کند که امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین زیر عبای رسول گرامی اسلام آمدند و حضرت فرمودند:

«إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1883، ح 2424

ما اصلاً عبارتی را که بزرگان اهل سنت نظیر «ابن حجر» و «نووی» و دیگران آورده اند کنار می‌گذاریم و به سراغ «ابن تیمیه» می‌رویم که برای بعضی از آقایان به بت تبدیل شده است. در کتاب «فتاوی الکبری» اثر «ابن تیمیه» جلد پنجم آمده است:

«وَأَفْضَلُ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلِيٌّ، وَفَاطِمَةٌ، وَحَسَنٌ، وَحُسَيْنٌ الَّذِينَ أَدَارَ عَلَيْهِمُ الْكُفَّاءَ وَخَصَّهْمُ بِالْذُّعَاءِ»

کتاب: الفتاوی الکبری، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني (المتوفى: 728 هـ)، المحقق: محمد عبدالقادر عطا - مصطفى عبدالقادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الطبعة الأولى 1408 هـ - 1987 م، ج 5، ص 336، بَابُ تَسْوِيَةِ الصُّفُوفِ

طبق این روایت «ابن تیمیه» می‌گوید که بافضیلت ترین اهل بیت پیغمبر اکرم، علی بن ابی طالب است. من عرض کردم شما برای ما توضیح بدهید افراد حاضر در جنگ جمل که سی هزار کشته بر جای گذاشت، چه قصدی داشتند؟!

آیت الله شبیری زنجانی می‌فرمود: حتماً آنها معتقد بودند علی بن ابی طالب اهل بهشت است. آن‌ها می‌خواستند حضرت را بکشند تا زودتر به بهشت بروند. آیا به خاطر این آمده بودند با حضرت بجنگند؟!

همچنین در جنگ صفین که هجده ماه با علی جنگیدند، آیا حضرت را دوست داشتند و این نتیجه رابطه‌ای دوستانه بوده است؟! عرض کردم ما بحث حضرت فاطمه زهرا را فعلاً کنار می‌گذاریم و بحث آن جداست.

همچنین در نهروان مگر غیر از صحابه کسی برای جنگ آمده بود؟! آیا یهودیان و نصاری و رومیان و ایرانی‌ها بودند که با امیرالمؤمنین جنگیدند یا همین صحابه بودند؟!

حال شما ادعا می‌کنید که رابطه اینها رابطه‌ای دوستانه بوده و ما نباید این قضایا را برای مردم بیان کنیم. در این صورت شما باید این موارد را از کتب خود حذف کنید.

این کتاب «صحیح مسلم» است و من هم عبارت «ابن تیمیه» را برایتان خواندم که بالاترین دشمن علی بن ابی طالب است، همو که صراحتاً ادعا می‌کند که آیه شراب در حق امیرالمؤمنین نازل شده است.

«ابن تیمیه» همچنین ادعا می‌کند که امیرالمؤمنین با حضرت فاطمه زهرا ازدواج کرد، با این هدف که حضرت فاطمه زهرا را بیازارد تا پیغمبر اکرم را بیازارد!! ما مدارک این ادعا را قبلاً ارائه دادیم.

او رسماً ادعا می‌کند که اکثر صحابه و اکثر تابعین علی را دشمن می‌داشتند و بغض علی را در دل داشتند. همین شخص می‌نویسد که افضل اهل بیت پیغمبر اکرم، علی بن ابی طالب است.

اتهام شرک به شیعیان، در جلسات درسی حوزه های علمیه اهل سنت ایران!!

ما این مطالب را چکار کنیم؟! شما در خطبه نماز جمعه‌هایتان یا صحبت‌هایتان یا اگر کسی مورد اعتمادتان هست، روی خط یا اینجا تشریف بیاورند و این مسائل را به ما یاد بدهند.

هرکدام از علمای اهل سنت از شرق یا غرب کشور در «شبکه جهانی ولایت» می‌آمدند، ما برایشان هتل می‌گرفتیم و از آنها پذیرایی می‌کردیم.

در مقابل آقای «مرادزهی» دو مرتبه اینجا آمدند و بنده در خانه خودم ایشان را جای دادم. بنده اجازه ندادم ایشان به مسافرخانه یا هتل برود و در خانه خودم از ایشان پذیرایی کردم.

یکی از عزیزان را اینجا بفرستید تا این مسائل را برای ما توضیح بدهند. بنده ایشان را در خانه خودم جای می‌دهم و از ایشان پذیرایی می‌کنم.

شاید ما متوجه نیستیم. امام جمعه خاش هفت، هشت دلیل آورده است مبنی بر اینکه شیعه مشرک است. جناب آقای «محمد عثمان» ما مشرک هستیم!؟

شما ادعا می‌کنید که مقدسات شیعه، مقدسات اهل سنت است و مقدسات اهل سنت، مقدسات شیعه است.

شما در سخنرانی و صحبتتان برای طلاب شش یا هفت دلیل آوردید مبنی بر اینکه شیعه مشرک است، همانند مشرکین زمان جاهلیت. بر فرض ما مشرک هستیم. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد).

سوره توبه (9): آیه 6

صحبت‌های جمعه گذشته ایشان را دیشب نزدیک ساعت دوازده برایم فرستادند. علی‌رغم اینکه بسیار خسته بودم، تمام صحبت‌های ایشان را گوش دادم و همگی را یادداشت کردم. ان شاءالله در یک جلسه خاص به صحبت‌های ایشان جواب خواهم داد.

ما چکار کنیم؟! آیا فرمایشات شما مبنی بر اینکه مقدسات شیعه مقدسات اهل سنت است را بپذیریم یا اینکه ادعا می‌کنید مشرکین زمان ما همان کسانی هستند که ویژگی‌های مشرکین زمان پیغمبر اکرم را داشتند، بپذیریم؟!

ایشان شش یا هفت مورد در این خصوص شمرده است. همین حرف‌هاست که «عبد المالك ريگی» تربیت می‌کند. همین تفکرات است که داعش تربیت می‌کند.

مولوی زاهدان که به پاکستان رفت و او را کشتند، افتخار می‌کرد که پسر و دامادم در سوریه در کنار داعش می‌جنگد و مبارزه می‌کند!

این حرف‌ها در حوزه‌های علمیه زده می‌شود. ما همه برادریم، این صلاح ما و شما نیست. والله تالله بالله حرف‌های «ابن تیمیه» به ضرر شماست.

عزیزان اهل سنت! جناب آقای «محمد عثمان» یا فلان بزرگوار آزادشهر چنین فکر نکنید که اگر داعش بیاید زن و بچه اهل سنت را کنار می‌گذارد و به زن و بچه شیعیان تعرض می‌کند. اگر این افراد بیایند، به سنی و شیعه رحم نمی‌کنند.

مگر مشاهده نکردید در ماجرای موصل در هفته اول هفت تن از ائمه جمعه اهل سنت را تیرباران و اعدام کردند، زیرا مردانگی داشتند و حاضر نبودند مبلغ داعش باشند.

حال که ما اینطور مطالب را مطرح کنیم، تصور می‌کنید اگر فردا داعش بیاید صف اهل سنت و سلفی‌ها و شیعیان را از همدیگر جدا می‌کند؟! اگر داعش بیاید از همه افراد اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ را نابود می‌کند.

همانطور که این افراد جنایاتی در سوریه و عراق مرتکب شدند و در حال حاضر در یمن جنایت می‌کنند.

بنابراین ما باید قدری دقت کنیم. ما هم دوست داریم برایمان ثابت شود که میان اهل بیت و صحابه هیچ اختلافی نبوده است. بر فرض ما مشرک هستیم و نمی‌فهمیم. قدمتان روی چشم ماست. اینجا تشریف بیاورید و برای ما توضیح بدهید.

شخصی ادعا می‌کند که اگر ما بخواهیم مناظره کنیم، به صدا و سیمای جمهوری اسلامی می‌رویم. صدا و سیما دست ما نیست، اما اینجا دست ما هست و شاید بینندگان داخل کشور ما کمتر از بینندگان صدا و سیما نباشد.

حال بنده کاری به برنامه‌های خاصی که صدا و سیما دارد ندارم، اما بیننده‌های ما کمتر از بینندگان برنامه‌های مختلف صدا و سیما نیست. علاوه بر این در حال حاضر فضای مجازی بسیار گسترده‌تر از بینندگان صدا و سیما شده است.

اگر به اینجا تشریف بیاورید، قدمتان روی چشم ماست. ما از شما پذیرایی می‌کنیم و اگر قبول کنید هزینه رفت و آمدتان را هم تقدیم می‌کنیم. به اینجا بیایید، صحبت کنید تا ما هم صحبت کنیم.

مردم باید ببینند فرمایشات شما درست هست یا خیر. مردم باید قبول کنند. شاید فرمایشات شما درست بود و چند تن از جوانان شیعه به سمت اهل سنت گرایش پیدا کردند. ما اصلاً و ابداً گلایه نمی‌کنیم.

همچنین اگر مردم دیدند عرض ما درست است و چند تن از جوانان سنی روشن شدند و به سمت تشیع آمدند، شما هم نباید هیچ گلایه‌ای کنید.

ما آماده هستیم، اما شبکه‌های وهابی شما اجازه نمی‌دهند حتی یک نفر شیعه هم به آنجا برود و صحبت کند. در مقابل ما اعلام آمادگی می‌کنیم.

تحقق دلیل استنکاف امیرالمؤمنین از خلافت، از زبان ابو ایوب انصاری!

در هر صورت امیرالمؤمنین در اینجا می‌فرماید: من آینده را تاریک می‌بینم. جو، جو سالمی نیست. من سابقه چهره‌هایی که آمدند و می‌خواهند با من بیعت کنند را می‌دانم و می‌دانم در ذهن این افراد چه فکری خطور می‌کند.

ما عرض کردیم اولین قضیه، قضیه جنگ جمل بود که شروع شد. ما روایات متعدد با سند صحیح آوردیم که پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی! بعد از من با سه دسته جنگ خواهی کرد؛ ناکثین، قاسطین و مارقین.

ناکثین اهل جمل هستند، قاسطین اهل صفین هستند و مارقین هم اهل نهروان هستند. ما روایت‌های متعدد آوردیم. آخرین جمله ما از کتاب «تاریخ بغداد» بود که در جلد سیزدهم از قول «ابو ایوب انصاری» روایتی آورده است.

«ابو ایوب انصاری» برای همه ما محترم است و ما هم او را محترم می‌شماریم. زمانی که رسول گرامی اسلام وارد مدینه شد، هرکسی آرزو داشت که رسول اکرم در خانه او اجلال نزول کند، اما «ابو ایوب انصاری» این افتخار را داشت که حضرت به خانه او رفت.

مردم به او عرضه داشتند: تو چنین افتخاری داری که پیغمبر اکرم در مدینه به منزل تو وارد شد.

«ثم جئت بسيفك على عاتقك تضرب به أهل لا إله إلا الله»

حال شمشیر به دست گرفتی و با گویندگان لا إله إلا الله می‌جنگی!

« فقال يا هذا إن الرائد لا يكذب أهله وإن رسول الله أمرنا بقتال ثلاثة مع علي بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

گفت: پیغمبر اکرم به ما دستور داده است به سه دسته در رکاب علی بن ابی طالب بجنگیم؛ ناکثین، قاسطین و مارقین.

«فأما الناكثون فقد قابلناهم أهل الجمل طلحة والزبير»

این که کتاب شیعه نیست که شما به آن اشکال کنید.

«وأما القاسطون فهذا منصرفنا من عندهم يعنى معاوية وعمرا»

سپس می‌نویسد:

«وأما المارقون فهم أهل الطرفاوات وأهل السعيفات وأهل النخيلات وأهل النهروانات»

در ادامه می‌نویسد:

«والله ما أدرى أين هم ولكن لا بد من قتالهم إنشاء الله»

نمی‌دانم آنها کجا هستند، اما ان شاء الله در رکاب علی با آنها هم خواهیم جنگید.

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة -

بیروت -، ج 13، ص 186، ح 7165

آیا ما می‌توانیم از کنار این مسائل به سادگی عبور کنیم؟!

مجری:

جلسه‌ای که راجع به همین مطلب شد، حضرتعالی سلسله اسناد زیادی آوردید. این یکی از مواردی بود که حضرتعالی بیان کردید.

آیا جنگ جمل نشانه رابطه دوستانه صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. این آقایان در شبکه‌های وهابی یا بعضاً در نماز جمعه می‌گویند: «طلحه» و «زبیر» و «عایشه» به بصره رفتند تا صلح ایجاد کنند.

وقتی برای صلح رفته بودند، به ما بگویید در بصره چه کسانی با همدیگر دعوا کرده بودند که آنها برای صلح رفته بودند؟! دو طرف دعوا چه کسانی بود که می‌خواستند برای صلح بروند؟!

ما را روشن کنید، اما ما مدارکی از کتب معتبر شما همانند «تاریخ طبری» داریم که در جلد سوم صفحه 9 می‌گوید: طلحه و زبیر بعد از قتل عثمان به مکه رفتند و در خانه عایشه جمع شدند؛

«فقالوا نسیر إلی علی فنقاتله»

و گفتند: ما می‌رویم تا با علی بجنگیم.

«فقال بعضهم ليس لكم طاقة بأهل المدينة»

آنها گفتند: ما طاقت مردم مدینه را نداریم.

مراد این بود که اگر به مدینه برویم، مردم مدینه طرفدار علی هستند و ما طاقت آنها را نداریم.

«ولكننا نسير حتى ندخل البصرة والكوفة ولطلحة بالكوفة شيعة وهوى ولزبير بالبصرة»

ما به سوی بصره و کوفه می‌رویم، زیرا طلحه در کوفه شیعه دارد و زبیر هم در بصره هواخواه دارد.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية – بيروت،

ج 3، ص 9، باب استئذان طلحة والزبير عليا

این دیگر کتاب ما نیست. همچنین در کتاب «مصنف ابن ابی شیبہ» استاد «بخاری» جلد هفتم صفحه 540

نقل شده است که آنها به «احنف» نامه می‌نویسند و می‌گویند که ما را یاری کنید. او می‌آید و می‌گوید:

«يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْشُدُكَ بِاللَّهِ هَلْ قُلْتَ لَكَ مِنْ تَأْمُرِيَنِي بِهِ فَقُلْتَ عَلِيًّا فَقُلْتَ تَأْمُرِيَنِي بِهِ وَتَرْضِيَنَهُ لِي»

یا ام المؤمنین تو را به خدا سوگند مگر من نگفتم با چه کسی بیعت کنم، گفتی با علی بیعت کن؟ مگر

نپرسیدم آیا راضی هستی و دستور به بیعت می‌دهی، گفتی بله؟!!

«فَقُلْتَ نَعَمْ قَالَتْ نَعَمْ وَلَكِنَّهُ بَدَّلَ»

گفت: بله، اما علی عوض شده است.

«قُلْتَ يَا زُبَيْرُ يَا حَوَارِي رَسُولِ اللَّهِ يَا طَلْحَةَ نَسَدْتُكُمْ بِاللَّهِ أَقُلْتَ لَكُمْ مِنْ تَأْمُرَانِي بِهِ فَقُلْتُمَا عَلِيًّا فَقُلْتَ

تَأْمُرَانِي بِهِ وَتَرْضِيَانِهِ لِي فَقُلْتُمَا نَعَمْ»

به طلحه و زبیر گفتم: ای حواری رسول خدا! شما را به خدا سوگند مگر شما دستور ندادید که با علی بیعت کنم و وقتی پرسیدم راضی هستید، گفتید بله؟!

«قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّهُ بَدَّلَ»

آن‌ها گفتند: بله، ولی علی عوض شده است.

«قَالَ فَقُلْتُ لَا وَاللَّهِ لَا أَقَاتِلُكُمْ وَمَعَكُمْ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ وَحَوَارِي رَسُولِ اللَّهِ أَمَرْتُمُونِي بِيَعْتِهِ»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 540، ح

37798

آیا «وَلَكِنَّهُ بَدَّلَ» نتیجه رابطه دوستانه آنها با علی بن ابی طالب است؟! «بَدَّلَ» به چه معناست؟! آیا امیرالمؤمنین حق را ناحق کرده است؟! آیا حضرت مظلومی را به ناحق کشته است؟! آیا مال مردم را تصرف کرده است؟!

ان شاء الله ما در آینده مدارک آن را هم عرض خواهیم کرد که وقتی حضرت وارد کوفه شدند، تنها یک اسب و یک شمشیر داشت در حالی که تمام وسایل زندگیش در یک خورجین روی اسب قرار داشت.

حضرت به صراحت فرمودند: مردم تمامی ثروت من این است. اگر روزی از کوفه بیرون رفتم و ذره‌ای بیشتر از این وسیله همراه خود بردم، بدانید من خائن هستم. حال علی بن ابی طالب «بَدَّلَ» است؟! این قضایا هست، ما چکار کنیم؟!

همچنین در کتاب «الکامل» اثر «ابن اثیر» جلد سوم آمده است که «أحنف» می‌گوید: من زمانی که می‌خواستم با علی بن ابی طالب بیعت کنم، با شما مشورت کردم. آن‌ها گفتند:

«نعم ولكنه بدل وغير»

بله، ولی چهره علی مبدل شده و تغییر کرده است.

الكامل فى التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1415 هـ الطبعة: ط 2، تحقيق: عبد الله القاضى، ج

3، ص 127، باب ذكر مسير على إلى البصرة والوقعة

اميرالمؤمنين چه ظلمی مرتکب شدند؟! ای کاش می‌آوردند دلیل «بَدَل» که به کار می‌برند، چیست!! این در حالی بود که چند ماه بیشتر از پذیرش خلافت از سوی امیرالمؤمنین نگذشته بود. آیا این قضایا نشانه رابطه دوستانه است؟!

در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» جلد هفتم صفحه 234 آمده است:

«وقد كتبت عائشة إلى زيد بن صوحان تدعوه إلى نصرتها والقيام معها»

عایشه به زید بن صوحان نامه نوشته بود که بیاوید به ما کمک کنید تا با علی بجنگیم.

«وقال رحم الله أم المؤمنين أمرها الله أن تلزم بيتها وأمرنا أن نقاتل فخرجت من منزلها وأمرتنا بلزوم بيوتنا آلتى كانت هي أحق بذلك منا»

زید بن صوحان نوشت: خداوند أم المؤمنین را رحمت کند. خداوند عالم به أمهات المؤمنین دستور داده در خانه بنشینند و به ما دستور داده است که بجنگیم. حال ما در منزل نشستیم در حالی که أم المؤمنین می‌جنگد!

«وكتبت عائشة إلى أهل اليمامة والكوفة بمثل ذلك»

عایشه به اهل کوفه و یمامه هم نامه نوشت تا برای نصرت به جنگ با علی بیایند.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج 7، ص 234، باب ابتداء وقعة الجمل

ما این مسائل را چکار کنیم؟! کتاب «البداية و النهاية» تعبیر دیگری هم در این زمینه آورده است. شاید بنده متوجه منظور این تعبیر نشده‌ام، بزرگواران روی خط تشریف بیاورند تا ببینیم مراد از این مطلب چیست.

«فقامت عائشة رضى الله عنها فى الناس تخطبهم وتحثهم على القيام بطلب دم عثمان»

عایشه خطبه خواند و مردم را به قیام و جنگ برای مطالبه کردن خون عثمان تحریک کردند.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج 7، ص 231، باب ابتداء وقعة الجمل

مگر علی بن ابی طالب خلیفه نیست؟! مگر پیغمبر اکرم به شما دستور ندادند اگر از امیرتان چیز بدی دیدید، وظیفه دارید از امیرتان اطاعت کنید ولو به ضرر شما باشد؟!

این در حالی است که بعضی از علما معتقدند اگر امیر کافر هم باشد، تبعیت از او واجب است. ما نباید جامعه اسلامی را دچار تفرقه کنیم.

مجری:

بسیار خوب. حاج آقا مباحث بسیار شیرین هست و حقیقتاً انسان احساس می‌کند حضرتعالی ما فی الضمیرتان را بیان می‌کنید.

همانطور که حضرت استاد بارها اشاره کردند، اینبار همه شما بینندگان که از طریق رسانه‌ها با حضرت استاد همراهی داشتید، قطعاً بر این مطلب صحه می‌گذارید که حضرت استاد مطالبی را که بیان می‌فرمایند ما فی الضمیرشان هست.

همانطور که حضرت استاد بارها و بارها می گویند ما دلسوز اهل سنت هستیم و این افتخار را به همه اهل سنت می‌دهند که در مناجات‌های شبانه آنها را یاد می‌کنند.

حقیقتاً تک تک مطالبی که گفته می‌شود جای تأمل دارد برای همه شما عزیزانی که از اهل سنت هستید. این چیزی جز دلسوزی نیست که از لحن استاد هم کاملاً هویدا هست.

ان شاءالله که همه ما بتوانیم مسیر مستقیم را پیدا کنیم و هدایت شونده باشیم. یک فرصت بگیریم، برگردیم و در خدمت شما عزیزان و تماس‌هایتان باشیم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». خیلی ممنون و متشکرم که تا این لحظه همراه برنامه بودید.

تماس بینندگان برنامه:

زمان آخر را اختصاص دادیم به تماس‌های شما بینندگان و پیام‌هایی که برای ما ارسال کردید. تماس‌ها زیاد است. ان شاءالله برسیم و تمامی این تماس‌ها و پیام‌ها را پاسخگو باشیم. آقای ابراهیمی از کرمان پشت خط هستند، در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای ابراهیمی از کرمان - شیعه):

با عرض سلام خدمت مجری محترم و حضرت آیت الله قزوینی استاد معظم.

مجری:

علیکم السلام.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله .

بیننده:

استاد قزوینی من دو سؤال از خدمت شما داشتم. اگر اجازه بفرمایید، بپرسم.

مجری:

در خدمت شما هستیم.

بیننده:

سؤال اول اینکه در مذاهب غیر از شیعه اثناعشری همانند شیخیه یا شیعه چهار امامیه یا زیدیه جایی داریم که یکی از علمایشان حکم به کفر و کشتن مسلمان دیگر اعم از شیعه و سنی و وهابی داده باشند؟!

سؤال دوم از هفته‌های گذشته در دلم مانده که امشب هم شما آن را فرمودید. آقای زنگ زده بودند که حرف‌های امام جمعه را بیان کردند و شما هم گفتید که برای حفظ وحدت نباید یک سری صحبت‌هایی را در ملاً عام کنند.

ایشان گفته بودند که من به هفت دلیل شیعه را کافر می‌دانم. آیا صحبت ایشان با صحبتی که امثال «عبدالمالک» یا وهابی‌های دیگر بیان می‌کنند و معتقدند که هرکسی هفت شیعه را بکشد راحت وارد بهشت می‌شود، چه تفاوتی وجود دارد؟!

البته خدای نکرده توهین به اهل سنت نباشد که بعضی از اهل سنت را از وهابیت جدا بدانیم. ممنون، لطف کردید، خواهش می‌کنم آیت الله قزوینی این مطالب را مفصل برای ما بیان کنند.

مجری:

ان شاءالله که شما هم موفق و مؤید باشید. از تماستان تشکر می‌کنم. خانم سلیمیان از اصفهان پشت خط هستند. خانم سلیمیان در خدمت شما هستیم.

بیننده (خانم سلیمیان از اصفهان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و شما مجری گرامی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

من یک سؤال خیلی مهم داشتم و می‌خواستم از حاج آقا بیرسم، زیرا بنده جوابها و ادله‌های ایشان را روی چشمم می‌گذارم.

بنده به یکی از دوستان یهودی‌ام گفتم: برای چه اینقدر به پیامبران الهی در کتاب تورات توهین می‌شود و در نهایت شما این پیامبران را پیروی می‌کنید؟! شما خودتان حاضرید فرزندان را سر کلاس یک پیامبری بنشانید که معاذ الله زناي محصنه انجام داده است.

العیاذ بالله نسبت به حضرت داود در کتاب تورات نقل شده است که زناي محصنه انجام داده‌اند.

ایشان از دوم شخص یهودیان ایران جواب این سؤال مرا پرسیده بود و من جواب ایشان را دادم. ایشان جواب داده بود که خداوند به پیامبران خود هم اعتماد ندارد، زیرا در تورات آیه‌ای آمده است مبنی بر اینکه خداوند به مقدسین خود هم اعتماد ندارد.

به عنوان مثال خداوند متعال در زمان حیات حضرت اسحاق و حضرت ابراهیم به آنها اعتماد نداشت و وقتی که از دنیا رفت به آنها اعتماد پیدا کرد و به آنها (علیه السلام) گفت و به آنها لقب مقدس داد!!

ممکن بود پیامبران تا آخرین لحظه خطا کنند، زیرا امکان اشتباه وجود دارد. خاخام‌های یهودی عقیده دارند که تا روز مرگ هم به خودت اعتماد نداشته باش، زیرا حضرت ابراهیم و حضرت اسحاق اصلاً نماد دین یهودیت نیستند و ممکن است خطا کنند.

یهودیت می‌گوید: ما انسان معصوم نداریم، زیرا با وضعیت انسان تضاد دارد. آدم‌ها حالت جسمانی و مادی دارند و امکان ندارد کسی خطا داشته باشد.

فرق مقدسین هم این است که خطا می‌کنند و بعد توبه می‌کنند و همچنین می‌گویند که حضرت داود هم توبه کرده است. حال بنده از شما می‌خواستم جواب این آدم یهودی را بدهید تا من به او بگویم. ممنونم

مجری:

بسیار خوب، خانم سلیمیان که از اصفهان با ما همراه بودید، از شما خیلی تشکر می‌کنم.

ان شاءالله در تمامی این مباحثات و صحبت‌هایی که با ادیان و مذاهب مختلف دارید، موفق باشید و قطعاً همین رفتار هم مورد تأیید حضرات اهل بیت قرار خواهد گرفت. تماس بعد آقای سعید از تهران هستند. آقا سعید در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقا سعید از تهران - اهل سنت):

سلام علیکم.

مجری:

علیکم السلام.

بیننده:

حضرت استاد سلام عرض می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

حضرت استاد قرآن کریم می‌فرماید:

(تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

آن‌ها امتی بودند که درگذشتند، اعمال آنها مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شما است و هیچگاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود.

سوره بقره (2): آیه 134

بنده می‌گویم با توجه به اعتقادات حضرتعالی نعوذ بالله همانطور که شما می‌فرمایید خلفای راشدین انسان‌های بد و غاصب بودند. بنده به عنوان یک شیعه مطلقاً چنین چیزی را قبول ندارم، اما با توجه به اعتقادات حضرتعالی می‌گویم.

عایشه جنگ جمل را به راه انداخت. معاویه جنگ صفین را به راه انداخت. دیگری جنگ نهروان را به راه انداخت. هرکدام از آنها یک بدی و ظلمی کردند. آیا غیر از این است که قرآن کریم می‌فرماید که آنها امتی هستند که می‌آیند و می‌روند؟!

شما به عنوان شیعه امروز هرگز خداوند از شما نمی‌پرسد که وقتی آنها این کار را کردند، به ما ارتباطی دارد یا خیر!

(وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

حال شما هر روز بگویید که حضرت فاطمه زهرا را شهید کردند. یکی اضافه می‌کند، یکی کم می‌کند، یکی ادعا می‌کند که این چنین شهید شد، دیگری ادعا می‌کند طور دیگری شهید شد.

شما خودتان هم می‌دانید که وقتی پای اغراق و مبالغه به میان بیاید، دیگر حقیقت از بین می‌رود. آیا این غیر از این است که اولاً کار خلاف فرموده قرآن کریم است. دوماً طرح این مباحث چه چیزی را حل می‌کند؟

حاج آقا عرض من این است که من شیعه را مشرک نمی‌دانم. من خودم شیعه هستم، اما مطمئناً شیعه امروزی در اعتقادات اصولی دچار مشکل است. من شیعه صدر اسلام را به طور کلی با شیعه‌ای که امروز در مسند حکمرانی در ایران است متفاوت می‌دانم.

این شیعه، شیعه صدر اسلام نیست. شیعه صدر اسلام، شیعه «یا الله مدد» بود. بنده متأسفانه می‌بینم مجریان شما موقع خداحافظی «یا علی مدد» می‌گویند.

این شیعه با کدام عقیده امیرالمؤمنین سازگار است؟! بنده «نهج البلاغه» را برای شما زیر و رو می‌کنم. شما به بنده افتخار بدهید که ده دقیقه با «نهج البلاغه» با همدیگر صحبت کنیم. بنده می‌خواهم بگویم «یا علی مدد» و استغاثه در کجا مطرح شده است.

مجری:

آقا سعید تا الآن بحث خوب بود. حال وارد فاز دیگری شدید و سؤال دیگری را مطرح می‌کنید. حال به سؤال اول حضرتعالی بپردازیم یا سؤال دومی که مطرح می‌کنید؟!

بیننده:

سؤال اول مهم‌تر است.

مجری:

ما می‌خواهیم که بحث کاملاً روشن پیش برود.

بیننده:

اجازه بدهید که من سؤالم را تمام کنم.

مجری:

مختصراً بفرمایید تا نوبت به عزیزان دیگر هم برسد.

بیننده:

من می‌گویم این افراد هر چه بودند و هر کاری کردند، خودشان می‌دانند و خدای خودشان!

الآن شما از هر کتابی مطلب بیاورید و بگویید به این دلایل حضرت فاطمه زهرا شهید شده است، آن‌ها هم با همان دلایل می‌گویند که حضرت شهید نشده و روابط بسیار خوبی هم با همدیگر داشتند.

مجری:

آقا سعید حال که شما آیه قرآن کریم آوردید، آیه:

(يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ)

به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم.

سوره اسراء (17): آیه 71

هم قطعاً یکی از آیات قرآن کریم است که می‌فرماید ما باید امام خود را بشناسیم.

بیننده:

(بِإِمَامِهِمْ) به چه معناست؟! منظور از امام در این آیه چیست؟!

مجری:

شما ادعا می‌کنید که آن‌ها صرفاً کاری کردند و تمام شد و رفت. بنده می‌گویم که آنها قرار است امام‌های ما قرار بگیرند. شما می‌گویید که قرار است راجع به رفتار خودتان از شما سؤال شود.

یکی از رفتارهای ما این است که بدانیم از چه کسی باید پیروی کنیم و از چه کسی تبعیت کنیم. اگر بخواهیم این را بفهمیم، طبیعتاً باید تاریخ را بخوانیم و طبیعتاً باید ببینیم کار آنها درست بوده یا اشتباه بوده است.

بیننده:

شما تصور نکنید که این تاریخ را فقط شما دارید. این تاریخ را آنها هم دارند.

مجری:

بنابراین باید بررسی شود. بنده می‌خواهم بگویم چنین نیست که بخواهیم بگوییم چیزی بوده و گذشته و رفته است. چنین نیست که بگوییم اتفاقی افتاده و تمام شده رفته است و بخواهیم کار خودمان را کنیم.

حال اگر اجازه بدهید حضرت استاد هم حتماً مستدل و مستند پاسخ حضرتعالی را خواهند داد. سؤالتان واضح بود، خیلی از تماس‌تان تشکر می‌کنیم، یا علی مدد، خدانگهدار.

فرصت خیلی محدود است. آقای بهادری آخرین تماس خواهند بود که مختصر و مفید می‌فرمایند. در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

بیننده:

بنده می‌خواستم سؤالی از آقا سعید عزیز داشته باشم. ما بیست و پنج آیه داریم که می‌فرماید:

(كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ)

و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!

سوره آل عمران (3): آیه 137

:9

(فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ)

اکنون بنگر سرانجام کار مجرمان به کجا کشید.

سوره اعراف (7): آیه 84

همچنین شش آیه هم داریم که می‌فرماید:

(وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)

و عاقبت همه کارها به سوی خدا است.

سوره لقمان (31): آیه 22

رسول گرامی اسلام چه فرمودند؟! نوح شکست نمی‌خورد، ابراهیم شکست نمی‌خورد، موسی و عیسی شکست نمی‌خورد، من هم شکست نمی‌خورم. افراد عرضه داشتند: یا رسول الله! دلیل عدم شکست شما چیست؟! پیغمبر اکرم فرمودند: مگر ما چه می‌گوییم؟! ما انسانیت را آورده‌ایم. انسانیت که شکست نمی‌خورد.

اگر شما سنگ را به طرف آسمان پرتاب کنید بالاخره به زمین برمی‌گردد، زیرا حرکت زوری است. این در حالی است که اگر آب را رها کنید جاری می‌شود. این است سنت الهی که ما باید آن را منتشر کنیم. آقا سعید! به من بگویید پیغمبری که؛

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

سوره قلم (68): آیه 4

تمام رفتار و گفتار کلام خداست.

(وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (53): آیات 3 و 4

هرچه از زبان پیغمبر اکرم جاری می‌شد، جز کلام خدا نبود. چطور شد قرآنی که به تعبیر دیگر نامه خدا بود که به دست پیغمبر اکرم رسید و حضرت بیست و سه سال برای آن زحمت کشید، وقتی به رسول الله می‌رسد نامه و اخلاق و رفتار و حسن است.

در مقابل وقتی از پیغمبر اکرم به خلفا می‌رسد، شمشیر می‌شود! شما می‌گویید که گذشته را عنوان نکنید. ما تا به حال نگفتیم و کلاه بر سرمان رفت. ما تا به حال نگفتیم و شیعه مظلوم شده است.

ما برادران اهل سنت را با جان و دل دوست داریم، اما خداوند متعال می‌فرماید که اگر چیزی بدانی و نگویی، خودت مستحق لعن هستی! خداوند متعال می‌فرماید:

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)

با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن، پروردگار تو از هر کسی بهتر می‌داند چه کسانی از طریق او گمراه شده‌اند و چه کسانی هدایت یافته‌اند.

سوره نحل (16): آیه 125

خداوند متعال می‌فرماید: بنشینید با هم بحث و مناظره کنید. خوبی‌ها را بگویید و نقصان را برطرف کنید. هدف ما همین است. ما چه چیزی می‌گوییم؟!

داعشی هایی که در حال حاضر در بغداد بمب گذاری می‌کنند، هدفشان چیست؟! این افراد از نسل بنی امیه هستند.

این افراد به جان شیعه و سنی افتادند و دارند مردم را می‌کشند. ما باید مردم را روشن کنیم. برادر من قدری دقت کن. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

سلامت باشید. آقای بهادری بسیار ممنون از تماسستان و پاسخی هم که به آقا سعید دادید.

تماس اول ما آقای ابراهیمی بود که از کرمان با ما در ارتباط بودند. ایشان دو سؤال پرسید. سؤال اولشان این بود که آیا در مذاهب شیعه تکفیری پیدا می‌شود که بخواهد حکم به این بدهد که قتل دیگر مذاهب واجب است؟!

آیا فرق مختلف شیعه، مذهب دیگری را تکفیر کرده اند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما تا به حال ندیدیم. نه شیعه دوازده امامی که ما هستیم و نه شیعه زیدی و نه شیعه اسماعیلی تکفیری باشند. در حال حاضر این سه فرقه شیعه در دنیا موجود هستند. شیعیان دیگر نظیر واقفیه و فتحیه و ناووسیه و دیگر گروه‌ها منقرض شدند و رفتند.

در حال حاضر این سه فرقه از فرق شیعه باقی مانده‌اند. بنده در آثار این گروه‌ها مطالعه داشتم. در کنگره تکفیر مقالاتی از سراسر دنیا به زبان‌های عربی و فارسی می‌آمد که همگی زیر نظر بنده بود.

در کنگره تکفیر که دو سه سال قبل در قم انجام شد، همه مسائل را شیعیان و اهل سنت و وهابیت می‌فرستادند.

تمامی این موارد زیر نظر بنده بود و همه آنها را خواندیم، اما ندیدیم این آقایان یک مورد بیاورند که از این فرق، شیعه کسی را فتوا به قتل داده باشند.

کلمه تکفیر زیاد است، اما معنای آن تکفیر از اسلام نیست بلکه تکفیر از ایمان است. همانطور که در روایتی از قول عایشه نقل شده است:

«لما قبض رسول الله ارتدت العرب قاطبة»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف – بيروت، ج 6، ص 304، فصل في تنفيذ جيش اسامة بن زيد

آیا این بدان معناست که همگی کافر و منکر خداوند شدند؟!

مجری:

اگر بخواهیم در لفظ نگاه کنیم، این چیزی بالاتر از تکفیر است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بالاتر از تکفیر است. همانطور که در حدیث حوض آمده است:

«إِنَّكَ لَا تَذَرِي مَا أَخَذْتُوَا بَعْدَكَ»

نمی‌دانی آنها چه بدعت‌هایی بعد از تو گذاشتند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص

2406، ح 6212

در روایت دیگر آمده است:

«إِنَّهُمْ اِزْتَدُّوا عَلٰى اَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرٰى»

آن‌ها بعد از تو به دوران جاهلیت برگشتند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 5، ص 2407، ح 6213

این روایت در کتاب «صحیح بخاری» هفده یا هجده مورد آمده است. در رابطه با آقا سعید هم باید بگویم که شما در «نهج البلاغه» یک خطبه را مدنظر قرار می‌دهید و ده خطبه دیگر که در کنار او هست را رها می‌کنید.

«و الزوايات كالایات یفسر بعضها بعضاً»

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمرهای، محمد باقر، ج 18، ص 221، باب الحرب خدعة

اگر قرار باشد ما یک آیه را ملاک قرار بدهیم، من از خود شما سؤال می‌کنم. ما بارها گفتیم که خداوند عالم در قرآن کریم می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می‌کند.

سوره زمر (39): آیه 42

با این حساب هرکسی بگوید عزرائیل انسان‌ها را قبض روح می‌کند، کافر است. چون خداوند می‌فرماید: (اللَّهُ

يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم؟!

(أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ)

آیا شما آن را می‌رویانید، یا ما می‌رویانیم؟

سوره واقعه (56): آیه 64

این زراعت را ما انجام می‌دهیم. حال اگر کسی بگوید که فلانی زراعت می‌کند، حتماً باید کافر باشد. ما وقتی

آیات را می‌آوریم، آن‌ها را کنار هم می‌گذاریم. قرآن کریم در یک آیه می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

در عین حال که در جای دیگر می‌فرماید:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد.

سوره سجده (32): آیه 11

در اینجا کسی که استقلالاً قبض روح می‌کند و اراده قبض روح می‌کند، خداوند متعال است. حال مجری اراده

الهی عزرائیل و یاران و دوستان آنها هستند.

مجری:

استاد کمتر از یک دقیقه فرصت داریم. الحمدلله این سؤالات هم بیان شد. نسبت به امام جمعه‌ای که صحبت‌هایی داشتند، حضرتعالی بیاناتی فرمودید. صحبت خانم سلیمیان باقی ماند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خانم سلیمیان بحث دارند و قرار شد که یهودیان خود پاسخ بدهند.

آیا بازخوانی تاریخ صدر اسلام، مخالف دستور قرآن است؟!

آقا سعید در آیه شریفه‌ای که می‌فرماید:

(تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

آن‌ها امتی بودند که درگذشتند، اعمال آنها مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شما است، و هیچگاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود.

سوره بقره (2): آیه 134

این آیه شریفه می‌خواهد بفرماید که هرکسی مسئول اعمال خودش هست. حال مشاهده کنید همانطور که عزیزمان جناب آقای بهادری هم اشاره کردند، قرآن کریم در بیست و پنج مورد کلمه **(عَاقِبَةُ)** آمده است. اولین مورد چنین است:

(قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ)

پیش از شما سنت‌هایی وجود داشت (و هر قوم طبق اعمال و صفات خود سرنوشت‌هایی داشتند که همانند آن را شما نیز دارید) پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!

سوره آل عمران (3): آیه 137

در آیه بعد آمده است:

(فَأَقْصِبْ قَصَصَ الْقَصَصِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)

این داستانها را (برای آنها) بازگو کن شاید بیندیشند (و بیدار شوند).

سوره اعراف (7): آیه 176

قرآن کریم در آیه دیگر می‌فرماید:

(قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ)

بگو روی زمین گردش کنید، سپس بنگرید سرانجام آنها که آیات الهی را تکذیب می‌کردند چه شد؟!

سوره انعام (6): آیه 11

قرآن کریم باز هم می‌فرماید:

(وَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ)

و کسانی که سرانجام سرای دنیا و آخرت از آن آنهاست آگاه‌تر است.

سوره قصص (27): آیه 38

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید:

(فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ)

برادر بزرگووارم! این آیات را هم در نظر بگیرید. ما اصلاً هیچ چیزی نگفتیم. ده یا دوازده آیه در قرآن کریم در مذمت صحابه آمده است. این آیات را از قرآن کریم بردارید. به چه دلیل خداوند متعال می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

سوره حجرات (49): آیه 6

این آیه را از قرآن کریم بردارید. در حقیقت این دیگر تمام شده و رفته است. حال هرکسی بوده به عنوان فاسق خبری جعلی داده و جاسوسی کرده است.

مجری:

همچنین در خصوص منافقین صحبت هست. با این بیان همه را باید جمع کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اصلاً این آیه مربوط به صحابه است. «ثعلبه» یکی از بهترین صحابه پیغمبر اکرم است، اما کاری می‌کند که قرآن کریم در مورد او می‌فرماید:

(فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ)

این عمل (روح) نفاق را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند بر قرار ساخت.

سوره توبه (9): آیه 77

قرآن کریم به صراحت می‌فرماید که این افراد منافق شدند. ما این آیات را چکار کنیم؟! (تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ).

بنابراین تمامی آیاتی که در رابطه با صحابه و امم گذشته آمده است را باید از قرآن کریم حذف کنیم.

باید قدری بیشتر دقت کنیم و تنها یک آیه را ملاک قرار ندهیم و آیات دیگر را رها کنیم. همانطور که گفتیم تنها:

(لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ)

به نماز نزدیک نشوید.

را ملاک قرار ندهیم و؛

(وَ أَنْتُمْ سُكَارَى)

در حالی که مست هستید.

سوره نساء (4): آیه 43

را رها کنیم. یا تنها؛

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ)

پس وای بر نمازگزارانی که ...

را ملاک قرار ندهیم و؛

(الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)

نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند.

سوره ماعون (107): آیات 4 و 5

را رها کنیم.

مجری:

احسنتم، بسیار خوب. حاج آقا خیل تشکر می‌کنیم. الحمدلله این جلسه هم بسیار بهره مند شدیم و از سخنان حضرت استاد بسیار استفاده کردیم.

همچنین تشکر می‌کنیم از همه شما عزیزان که تا انتهای برنامه همراه برنامه بودید و عذرخواهی می‌کنیم از عزیزان که پشت خط ماندند و نتوانستیم پاسخگوی تلفن‌هایشان باشیم. تا برنامه دیگر خدانگهدار

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته